

آیه ۱۳۵

آیه و ترجمه

یایها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم اوالولدین و الاقربین ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیرا ۱۳۵

ترجمه :

۱۳۵ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد، چه اینکه اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند سزاوارتر است که از آنها حمایت کند، بنا بر این از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد، و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمائید خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

تفسیر :

عدالت اجتماعی

به تناسب دستورhائی که در آیات گذشته درباره اجرای عدالت در خصوص مورد یتیمان، و همسران داده شده، در این آیه یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثناء ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدالت کنند.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۲

(یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط).

باید توجه داشت که قوامین جمع قوام «صیغه مبالغه» به معنی «بسیار قیام کننده» است، یعنی باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنید که این عمل خلق و خوی شما شود، و انحراف از آن بر خلاف طبع و روح شما گردد.

تعبیر به «قیام» در اینجا ممکن است به خاطر آن باشد که انسان برای انجام کارها معمولاً باید بپاخیزد، و به دنبال آنها برود، بنابراین «قیام» به کار کنایه از تصمیم و عزم راسخ و اقدام جدی درباره آن است اگر چه آن کار همانند

حکم قاضی احتیاج به قیام و حرکتی نداشته باشد، و نیز ممکن است تعبیر به قیام از این نظر باشد که قائم معمولاً به چیزی میگویند که عمود بر زمین بوده باشد و کمترین میل و انحرافی به هیچ طرف نداشته باشد، یعنی باید آنچنان عدالت را اجرا کنید که کمترین انحرافی به هیچ طرف پیدا نکند. سپس برای تاکید مطلب مساله شهادت را عنوان کرده، میفرماید: «به خصوص در مورد شهادت باید همه ملاحظات را کنار بگذارید و فقط به خاطر خدا شهادت به حق دهید، اگر چه به زیان شخص شما یا پدر و مادر و یا نزدیکان تمام شود».

(شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین).

این موضوع در همه اجتماعات و مخصوصاً در اجتماعات جاهلی وجود داشته و دارد که معمولاً در شهادت دادن، مقیاس راحب و بغضها و چگونگی ارتباط اشخاص با شهادت دهنده قرار می دهند اما حق و عدالت برای آنها مطرح نیست، مخصوصاً از حدیثی که از ابن عباس نقل شده استفاده میشود که افراد تازه مسلمان حتی بعد از ورود به مدینه به خاطر ملاحظات خویشاوندی از ادای شهادتهائی که به ضرر بستگانشان میشد خودداری میکردند، آیه فوق

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۳

نازل شد و در این زمینه به آنها هشدار دارد. ولی - همانطور که آیه اشاره میکند - این کار با روح ایمان سازگار نیست، مؤمن واقعی کسی است که در برابر حق و عدالت، هیچگونه ملاحظه‌های نداشته باشد و حتی منافع خویش و بستگان خویش را به خاطر اجرای آن نادیده بگیرد. ضمناً از این جمله استفاده میشود که بستگان می‌توانند با حفظ اصول عدالت به سود یا به زیان یکدیگر شهادت دهند (مگر اینکه قرائن اتهام بطرفداری و اعمال تعصب در کار بوده باشد).

سپس به قسمت دیگری از عوامل انحراف از اصل عدالت اشاره کرده میفرماید: «نه ملاحظه ثروت ثروتمندان باید مانع شهادت به حق گردد و نه عواطف ناشی از ملاحظه فقر فقیران، زیرا اگر آن کس که شهادت به حق به زیان او تمام میشود، ثروتمند یا فقیر باشد، خداوند نسبت به حال آنها آگاهتر است، نه صاحبان زر و زور میتوانند در برابر حمایت پروردگار، زبانی به شاهدان بر حق برسانند، و نه فقیر با اجرای عدالت گرسنه می‌ماند».

(ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما).

باز برای تاکید دستور می‌دهد که «از هوای و هوس پیروی نکنید تا مانعی در راه اجرای عدالت ایجاد گردد».

(فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا)

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۴

و از این جمله به خوبی استفاده میشود که سرچشمه مظالم و ستمها، هواپرستی است و اگر اجتماعی هواپرست نباشد، ظلم و ستم در آن راه نخواهد داشت!

بار دیگر به خاطر اهمیتی که موضوع اجرای عدالت دارد، روی این دستور تکیه کرده می‌فرماید: «اگر مانع رسیدن حق به حقدار شوید و یا حق را تحریف نمائید و یا پس از آشکار شدن حق از آن اعراض کنید، خداوند از اعمال شما آگاه است».

(و ان تلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیرا).

در حقیقت جمله ان تلوا اشاره به تحریف حق و تغییر آن است، در حالی که جمله تعرضوا اشاره به خودداری کردن از حکم به حق میباشد و این همان چیزی است که در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است. جالب توجه اینست که در ذیل آیه تعبیر به خبیر شده است نه علیم، زیرا خبیر معمولاً به کسی می‌گویند که از جزئیات و ریزه‌کاریهای یک موضوع آگاه است، اشاره به اینکه خداوند کوچکترین انحراف شما را از حق و عدالت به هر بهانه و دستاویزی که باشد حتی در آنجا که لباس حق بجانب بر آن می‌پوشانید میداند و کیفر آن را خواهد داد!

آیه فوق توجه فوق العاده اسلام را به مساله عدالت اجتماعی در هر شکل و هر صورت کاملاً روشن می‌سازد و انواع تاءکیداتی که در این چندجمله بکار رفته است نشان میدهد که اسلام تا چه اندازه در این مساله مهم انسانی و اجتماعی، حساسیت دارد، اگر چه با نهایت تأسف میان عمل مسلمانان، و این دستور عالی اسلامی، فاصله از زمین تا آسمان است!، و همین یکی از اسرار عقب

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۵

آیه و ترجمه

ماندگی آنها است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُر بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكِتَابِهِ وَرُسُلِهِ وَاليَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ ۱۳۶

ترجمه :

۱۳۶ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان (واقعی) به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که قبلاً فرستاده است بیاورید. و کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبران او، و روز بازپسین را انکار کند در گمراهی دور و درازی افتاده است.

شان نزول :

از «ابن عباس» نقل شده که این آیه درباره جمعی از بزرگان اهل کتاب نازل گردید مانند عبد الله بن سلام و اسد بن کعب و برادرش اسید بن کعب و جمعی دیگر، زیرا آنها در آغاز خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند و گفتند: ما به تو و کتاب آسمانی تو و موسی و تورات و عزیر ایمان می‌آوریم ولی به سایر کتابهای آسمانی و همچنین سایر انبیاء ایمان نداریم آیه نازل شد و به آنها تعلیم داد که باید به همه ایمان داشته باشند.

تفسیر :

با توجه به شان نزول، روی سخن در آیه به جمعی از مومنان اهل کتاب

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۶

است که آنها پس از قبول اسلام روی تعصبات خاصی تنها اظهار ایمان به مذهب سابق خود و آئین اسلام می‌کردند و بقیه پیامبران و کتب آسمانی را قبول نداشتند اما قرآن به آنها توصیه می‌کند که تمام پیامبران و کتب آسمانی را به رسمیت بشناسند، زیرا همه یک حقیقت را تعقیب می‌کنند، و بدنبال یک هدف هستند و از طرف یک مبدا مبعوث شده‌اند (اگر چه همانند کلاسهای مختلف تعلیم و تربیت سلسله مراتب داشته‌اند و هر کدام آئینی کاملتر از آئین پیشین آورده‌اند). بنابراین معنی ندارد که بعضی از آنها را بپذیرند و بعضی را نپذیرند، مگر یک حقیقت واحد تبعیض بردار است! و مگر تعصبات می‌تواند جلو

واقعیات را بگیرد!، لذا آیه فوق می گوید: ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبرش (پیامبر اسلام) و کتابی که بر او نازل شده، و کتب آسمانی پیشین، همگی ایمان بیاورید.

(یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله و رسوله و الكتاب الذی نزل علی رسوله و الكتاب الذی انزل من قبل).

قطع نظر از شان نزول فوق، این احتمال نیز در تفسیر آیه هست که روی سخن به تمام مومنان باشد، مؤمنانی که ظاهراً اسلام را پذیرفته اند اما هنوز در اعماق جان آنها نفوذ نکرده است، اینجا است که از آنها دعوت می شود که از صمیم دل و در درون جان مؤمن شوند، و نیز این احتمال وجود دارد که روی سخن به همه مؤمنانی باشد که اجمالاً به خدا و پیامبر ایمان آورده اند اما به جزئیات و تفصیل معتقدات اسلامی آشنانشده اند، اینجا است که قرآن دستور می دهد: مومنان واقعی باید به تمام انبیاء و کتب پیشین و فرشتگان الهی ایمان داشته باشند، زیرا عدم ایمان به اینها مفهومی انکار حکمت خداوند است آیا ممکن است خداوند حکیم انسانهای پیشین را بدون رهبر و راهنما گذاشته باشد تا در میدان زندگی سرگردان شوند!!

آیا منظور از ایمان بفرشتگان تنها فرشتگان وحی است، که ایمان به آنها از ایمان به انبیاء و کتب آسمانی غیر قابل تفکیک است و یا همه فرشتگان؟

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۷

زیرا همانطور که بعضی از آنان در امر وحی و تشریع دست در کارند، جمعی هم مامور تدبیر عالم تکوین هستند، و ایمان به آنها در حقیقت گوشه ای از ایمان به حکمت خدا است.

و در پایان آیه سرنوشت کسانی را که از این واقعیتها غافل بشوند بیان کرده، چنین می فرماید: کسی که به خدا و فرشتگان، و کتب الهی، و فرستادگان او، و روز بازپسین، کافر شود، در گمراهی دور و درازی افتاده است.

(و من یکفر بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضللاً بعيداً).

در حقیقت ایمان به پنج اصل در این آیه لازم شمرده شده، یعنی علاوه بر ایمان به مبدء و معاد ایمان به کتب آسمانی و انبیاء و فرشتگان نیز لازم است.

تعبیر به ضلال بعید (گمراهی دور) تعبیر لطیفی است یعنی چنین اشخاص آنچنان از جاده اصلی پرت شده اند که بازگشتشان بشاهراه اصلی به آسانی

ممکن نیست.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۸

آیه: ۱۳۷ - ۱۳۹

آیه و ترجمه

ان الذین ءامنوا ثم كفروا ثم ءامنوا ثم كفروا ثم ازدادوا كفرا لم یكن الله لیغفر لهم
و لا لیهدیهم سبیلا ۱۳۷

بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما ۱۳۸

الذین یتخذون الکفرین اولیاء من دون المؤمنین ۱۳۹
العزة لله جمیعا ۱۳۹

ترجمه :

۱۳۷ - آنها که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند، و دگر بار
کافر شدند سپس بر کفر خود افزودند هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید و نه
آنها را به راه (راست) هدایت می کند.

۱۳۸ - به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست.

۱۳۹ - همانها که کافران را، بجای مومنان، دوست خود بر می گزینند، آیا اینها
می خواهند از آنان کسب عزت و آبرو کنند با اینکه همه عزت‌ها مخصوص خدا
است!!

تفسیر :

سرنوشت منافقان لجوج

به تناسب بحثی که در آیه گذشته درباره کافران و گمراهی دور و دراز
آنها بود در این آیات اشاره به حالت جمعی از آنان کرده که هر روز شکل تازه‌ای
به خود می گیرند، روزی در صف مومنان، و روز دیگر در صف کفار، و باز در
صف مومنان، و سپس در صفوف کفار متعصب و خطرناک قرار می گیرند،
خلاصه همچون بت عیار هر لمحہ به شکلی و هر روز به رنگی در می آیند

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۹

و سرانجام در حال کفر و بی ایمانی جان می دهند!

نخستین آیه از آیات فوق درباره سرنوشت چنین کسانی می گوید: آنها

که ایمان آوردند سپس کافر شدند باز ایمان آوردند و بار دیگر راه کفر پیش گرفتند و سپس بر کفر خود افزودند، هرگز خداوند آنها را نمیامرزد و به راه راست هدایت نمی کند.

(ان الذین آمنوا ثم کفروا ثم آمنوا ثم کفروا لم یکن الله لیغفر لهم و لا لیهدیهم سبیلاً).

این تغییر روشهای پی در پی، و هر روز به رنگی در آمدن، یا مولود تلون وعدم تحقیق کافی در مبانی اسلام بود، و یا نقشه ای بود که افراد منافق و کفار متعصب اهل کتاب برای متزلزل ساختن مومنان واقعی، طرح و اجرا می کردند که با این رفت و آمدهای پی در پی، مؤمنان واقعی را در ایمان خود متزلزل سازند چنانکه در آیه ۷۲ سوره آل عمران شرح آن گذشت.

البته آیه فوق هیچگونه دلالتی بر عدم قبول توبه این گونه اشخاص ندارد، بلکه موضوع سخن در آیه تنها آن دسته ای هستند که در حال شدت کفر، سرانجام چشم از جهان می پوشند، چنین افرادی به مقتضای ایمانی و عملشان نه شایسته آمرزشند و نه هدایت، مگر اینکه در کار خود تجدید نظر کنند.

سپس در آیه بعد می گوید: به این دسته از منافقان بشارت بده که عذاب دردناکی برای آنها است.

(بشر المنافقین بان لهم عذاب الیم).

تعبیر به عنوان بشارت در موردی که سخن از عذاب الیم است یا بعنوان استهزاء نسبت به افکار پوچ و بی اساس آنها است، و یا به خاطر آن است که کلمه بشارت که در اصل از بشر به معنی صورت گرفته شده، معنی وسیعی دارد، و هر گونه خبری را که در صورت انسان اثر بگذارد و آن رامسرور یا غم آلود کند، شامل می شود.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۰

و در آیه اخیر، این دسته از منافقان چنین توصیف شده اند: آنها کافران رابه جای مومنان دوست خود انتخاب می کنند.

(الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین).

سپس می گوید: هدف آنها از این انتخاب چیست! آیا راستی می خواهند آبرو و حیثیتی از طریق این دوستی برای خود کسب کنند؟!

(ایبتغون عندهم العزة).

در حالی که تمام عزتها مخصوص خدا است.

(فان العزة لله جميعا).

زیرا عزت همواره از علم و قدرت سرچشمه می‌گیرد و اینها که قدرتشان ناچیز و علمشان نیز همانند قدرتشان ناچیز است، کاری از دستشان ساخته نیست که بتوانند منشا عزتی باشند. این آیه به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و مانند آن، در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، بلکه تکیه گاه خود را ذات پاک خداوندی قرار دهند که سرچشمه همه عزتها است، و غیر خدا از دشمنان اسلام نه عزتی دارند که به کسی ببخشند و نه اگر می‌داشتند قابل اعتماد بودند، زیرا هر روز که منافع آنها اقتضا کند فوراً صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند که گوئی هرگز باهم آشنائی نداشتند، چنانکه تاریخ معاصر شاهد بسیار گویای این واقعیت است!

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۱

آیه ۱۴۰

آیه و ترجمه

و قد نزل علیکم فی الکتب ان اذا سمعتم ءایت الله یکفر بها و یستهزء بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم ان الله جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً ۱۴۰

ترجمه :

۱۴۰ - خداوند در قرآن (این حکم را) بر شما فرستاده که هنگامی که بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌نمایند با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند، زیرا در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود، خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند.

شان نزول :

از ابن عباس درباره نزول این آیه چنین نقل شده که جمعی از منافقان در جلسات دانشمندان یهود می‌نشستند، جلساتی که در آن نسبت به آیات قرآن استهزاء می‌شد، آیه فوق نازل گشت و عاقبت شوم این عمل را روشن ساخت.

تفسیر :

در مجلس گناه ننشینید

در سوره انعام که از سوره‌های مکی قرآن است در آیه ۶۸ صریحا

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۲

به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داده شده است که اگر مشاهده کنی کسانی نسبت به آیات قرآن استهزاء می‌کنند و سخنان ناروایی گویند، از آنها اعراض کن مسلم است که این حکم اختصاصی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد بلکه یک دستور عمومی است که در شکل خطاب بپیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان شده، و فلسفه آن هم کاملا روشن است، زیرا این یکنوع مبارزه عملی به شکل منفی در برابر این گونه کارها است. آیه مورد بحث بار دیگر این حکم اسلامی را تاکید می‌کند و به مسلمانان هشدار می‌دهد که: در قرآن به شما قبلا دستور داده شده که هنگامی بشنوید افرادی نسبت به آیات قرآن کفر می‌ورزند و استهزاء می‌کنند با آنها ننشینید تا از این کار صرف‌نظر کرده، به مسائل دیگری بپردازند.

(و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزء بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره).

سپس نتیجه این کار را چنین بیان می‌کند که اگر شما در اینگونه مجالس شرکت کردید همانند آنها خواهید بود و سرنوشتتان سرنوشت آنهاست **(انکم اذا مثلهم).**

باز برای تاکید این مطلب اضافه می‌کند شرکت در این گونه جلسات نشانه روح نفاق است و خداوند منافقان و کافران را در دوزخ جمع می‌کند. **(ان الله جامع المنافقین و الکافرین فی جهنم جمیعا).**

از این آیه چند نکته استفاده می‌شود:

۱ - شرکت در این گونه جلسات گناه به منزله شرکت در گناه است، اگرچه شرکت کنندنده ساکت باشد، زیرا این گونه سکوتها یکنوع رضایت و امضای عملی است.

۲ - نهی از منکر اگر به صورت مثبت امکان‌پذیر نباشد لااقل باید به صورت منفی انجام گیرد به این طریق که از محیط گناه و مجلس گناه‌انسان دور شود.

- ۳ - کسانی که با سکوت خود و شرکت در اینگونه جلسات عملاً گناهکاران را تشویق می کنند مجازاتی همانند مرتکبین گناه دارند.
- ۴ - نشیست و برخاست با کافران در صورتی که نسبت به آیات الهی توهین نکنند و خطر دیگری نداشته باشد مانعی ندارد، زیرا جمله حتی یخوضوا فی حدیث غیره این کار را مباح شمرده است.
- ۵ - مجامله با این گونه گناهکاران نشانه روح نفاق است زیرا یک مسلمان واقعی هرگز نمی تواند در مجلسی شرکت کند که در آن نسبت به آیات و احکام الهی توهین می شود، و اعتراض ننماید، یا لا اقل عدم رضایت خود را با ترک آن مجلس آشکار نسازد.

آیه ۱۴۱

آیه و ترجمه

الذین یترصبون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا ءلم نکن معکم و ان کان لِّلکافرین نصیب قالوا ءلم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین فالله یحکم بینکم یوم القیمة و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً ۱۴۱

ترجمه :

۱۴۱ - منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد می گویند آیا ما با شما نبودیم (پس ما نیز سهمیم در افتخارات و غنائم هستیم!) و اگر بهره ای نصیب کافران گردد می گویند آیا ما شما را تشویق به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مومنان نمی کردیم! (پس با شما سهمیم خواهیم بود!) خداوند در میان شما در روز رستاخیز داوری می کند و هرگز برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است

تفسیر :

صفات منافقان

این آیه و آیات بعد قسمتی دیگر از صفات منافقان و اندیشه های پریشان آنها را

بازگو می کند، و می گوید: منافقان کسانی هستند که همیشه می خواهند از هر پیش آمدی به نفع خود بهره برداری کنند، اگر پیروزی نصیب شما شود فوراً خود را در صف مومنان جا زده، می گویند آیا ما باشما نبودیم و آیا کمکهای ارزنده ما موثر در غلبه و پیروزی شما نبود! بنابراین ما هم در تمام این موفقیتها و نتایج معنوی و مادی آن شریک و سهیمیم.

(الذین یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا اللم نکن معکم).

اما اگر بهره ای از این پیروزی نصیب دشمنان اسلام شود، فوراً خود را به آنها نزدیک کرده، مراتب رضامندی خویش را به آنها اعلام می دارند و می گویند: این ما بودیم که شما را تشویق به مبارزه با مسلمانان و عدم تسلیم در برابر آنها کردیم بنابراین ما هم در این پیروزیها سهمی داریم!

(و ان کان للکافرین نصیب قالوا اللم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین).

به این ترتیب این دسته با فرصت طلبی مخصوص خود می خواهند در صورت پیروزی مومنان در افتخارات و حتی در غنائم آنان شرکت جویند و منتهی هم

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۵

بر آنها بگذارند، و در صورت پیروزی کفار خوشحالند و با مصمم ساختن آنها در کفرشان و جاسوسی به نفع آنان، مقدمات این پیروزی را فراهم می سازند، گاهی رفیق قافله اند و گاهی شریک دزد و عمری را باین دو دوزه بازی کردن می گذرانند!

ولی قرآن سرانجام آنها را با یک جمله کوتاه بیان می کند و می گوید: بالاخره روزی فرا می رسد که پرده ها بالا میرود و نقاب از چهره زشت آنان برداشته می شود، آری در روز قیامت خداوند در میان شما قضاوت می کند.

(فالله یحکم بینکم یوم القیامة)

و برای اینکه مومنان واقعی مرعوب آنان نشوند در پایان آیه اضافه می کند: هیچگاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است.

(و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً).

آیا هدف از این جمله تنها عدم پیروزی کفار از نظر منطق بر افراد با ایمان است و یا پیروزیهای نظامی و مانند آن را شامل می شود؟! از آنجا که کلمه سبیل به اصطلاح از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی

عموم را می‌رساند از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد.

و اگر پیروزی آنها را بر مسلمانان در میدانهای مختلف با چشم خود می‌بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مومنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظائف و مسئولیتها و رسالتهای خویش را به کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنانست و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند، و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۶

از لحظه تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است دارند، و چون چنانند طبعاً چنینند!

جمعی از فقهاء در مسائل مختلف به این آیه برای عدم تسلط کفار بر مومنان از نظر حقوقی و حکمی استدلال کرده‌اند و با توجه به عمومیتی که در آیه دیده می‌شود این توسعه زیاد بعید بنظر نمی‌رسد (دقت کنید).

قابل توجه اینکه در این آیه پیروزی مسلمانان بعنوان فتح بیان شده در حالی که از پیروزی کفار تعبیر به نصیب شده است اشاره به اینکه اگر پیروزیهای نصیب آنان گردد محدود و موقت و ناپایدار است و فتح و پیروزی نهائی با افراد با ایمان می‌باشد.

آیه ۱۴۲ - ۱۴۳

آیه و ترجمه

ان المنافقين يخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى
يراءون الناس و لا يذكرون الله الا قليلا ۱۴۲

مذبذبين بين ذلك لا الى هؤلاء و لا الى هؤلاء و من يضل الله فلن تجدله
سبيلا ۱۴۳

ترجمه :

۱۴۲ - منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز ایستند از روی کسالت می‌ایستند، در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند.

۱۴۳ - آنها افراد بی‌هدفی هستند، نه متمایل به اینها هستند و نه به آنها(نه در

صف مومنان و نه در صف کافران) و هر کس را خداوند گمراه کند راهی برای او نخواهی یافت

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۷

تفسیر :

در این دو آیه پنج صفت دیگر از صفات منافقان در عبارات کوتاهی آمده است:
۱ - آنها برای رسیدن به اهداف شوم خود از راه خدعه و نیرنگ وارد می‌شوند و حتی می‌خواهند: به خدا خدعه و نیرنگ زنند در حالی که در همان لحظات که در صدد چنین کاری هستند در یک نوع خدعه واقع شده‌اند، زیرا برای بدست آوردن سرمایه‌های ناچیزی سرمایه‌های بزرگ وجود خود را از دست می‌دهند.
(ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم).

تفسیر فوق از واو و هو خادعهم که واو حالیه است استفاده می‌شود و این درست شبیه داستان معروفی است که از بعضی بزرگان نقل شده است که به جمعی از پیشه‌وران می‌گفت: از این بترسید که مسافران غریب بر سر شما کلاه بگذارند، کسی گفت اتفاقاً آنها افراد بی‌خبر و ساده‌دلی هستند ما بر سر آنها می‌توانیم کلاه بگذاریم، مرد بزرگ گفت: منظور من هم همانست، شما سرمایه ناچیزی از این راه فراهم می‌سازید و سرمایه بزرگ ایمان را از دست می‌دهید!

۲ - آنها از خدا دورند و از راز و نیاز با او لذت نمی‌برند و به همین دلیل: هنگامی که بنماز برخیزند سرتاپای آنها غرق کسالت و بی‌حالی است
(و اذا قاموا الى الصلوة قاموا کسالی).

۳ - آنها چون به خدا و وعده‌های بزرگ او ایمان ندارند، اگر عبادت یا عمل نیکی انجام دهند آن نیز از روی ریا است نه به خاطر خدا! (یراؤون الناس)
۴ - آنها اگر ذکری هم بگویند و یادی از خدا کنند از صمیم دل واز

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۸

روی آگاهی و بیداری نیست و اگر هم باشد بسیار کم است.

(و لا یذكرون الله الا قليلا).

۵ - آنها افراد سرگردان و بی‌هدف و فاقد برنامه و مسیر مشخص‌اند، نه جزء

مؤمنانند و نه در صف کافران!

(مذبذبین بین ذلک لا الی هولاء و لا الی هولاء).

باید توجه داشت که کلمه مذبذب اسم مفعول از ماده ذبذب است و دراصل به معنی صدای مخصوصی که به هنگام حرکت دادن یک شیی آویزان بر اثر برخورد با امواج هوا بگوش می رسد و سپس به اشیاء متحرک و اشخاص سرگردان و متحیر و فاقد برنامه مذبذب گفته شده است و این یکی از لطیف ترین تعبیراتی است که در قرآن درباره منافقین وارد شده است و یک اشاره ضمنی به این مطلب دارد که چنان نیست که نتوان منافقان را شناخت بلکه این تذبذب آنها آمیخته با آهنگ مخصوصی است که با توجه به آن شناخته می شوند، و نیز این حقیقت را می توان از این تعبیر استفاده کرد که اینها همانند یک جسم معلق و آویزان ذاتا فاقد جهت حرکتند، بلکه این بادهای است که آنها را به هر سو حرکت می دهد و به هر سمت بوزد با خود می برد!

و در پایان آیه سرنوشت آنها را چنین بیان می کند آنها افرادی هستند که بر اثر اعمالشان خدا حمایتش را از آنان برداشته و در بیراهه ها گمراهشان ساخته و هر کس را خدا گمراه کند هیچگاه راه نجاتی برای آنان نخواهی یافت.

(و من یضلل الله فلن تجد له سبیلا).

(درباره معنی اضلال خداوند و عدم منافات آن با آزادی اراده و اختیار در جلد اول همین تفسیر در ذیل آیه ۲۶ سوره بقره بحث کردیم).

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۷۹

آیه ۱۴۴ - ۱۴۶

آیه و ترجمه

یایها الذین ءامنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ءتریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطنا مبینا ۱۴۴

ان المنفقین فی الدرک الاسفل من النار و لن تجد لهم نصیرا ۱۴۵
الا الذین تابوا و اصلحوا و اعتصموا بالله و اخلصوا دینهم لله فاولئک مع المؤمنین و سوف یؤت الله المؤمنین اجرا عظیما ۱۴۶

ترجمه :

۱۴۴ - ای کسانی که ایمان آورده اید کافران را بجای مومنان ولی و تکیه گاه خود قرار ندهید آیا می خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضرر خود در

پیشگاه خدا قرار دهید؟!

۱۴۵ - (زیرا) منافقان در پائین‌ترین مرحله دوزخ قرار دارند و هرگز یآوری برای آنها نخواهی یافت (بنابراین از طرح دوستی با دشمنان خدا که نشانه نفاق است بپرهیزید).

۱۴۶ - مگر آنها که توبه کنند و جبران و اصلاح نمایند و به (دامن لطف) خدا چنگ زنند و دین خود را باری خدا خالص کنند، آنها با مومنان خواهند بود و خداوند به افراد با ایمان پاداش عظیمی خواهد داد.

تفسیر :

در آیات گذشته اشاره به گوشه‌ای از صفات منافقان و کافران شد و در این آیات نخست به مومنان هشدار داده می‌شود که کافران (و منافقان) را به جای مومنان تکیه گاه و ولی خود انتخاب نکنند.
(یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین).

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۸۰

چرا که این عمل یک جرم و قانون شکنی آشکار و شرک به خداوند است و با توجه بقانون عدالت پروردگار موجب استحقاق مجازات شدیدی است لذا به دنبال آن می‌فرمایید: آیا می‌خواهید دلیل روشنی بر ضد خود در پیشگاه پروردگار درست کنید.

(ا تریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطانا مبینا).

در آیه بعد برای روشن ساختن حال منافقانی که این دسته از مسلمانان غافل، طوق دوستی آنان را بر گردن می‌نهند، و یا حال خود اینها که در عین اظهار اسلام راه نفاق را پیموده و از در دوستی با منافقان در میایند، می‌فرماید: منافقان در پائین‌ترین و نازلترین مراحل دوزخ قرار دارند و هیچگونه یآوری برای آنها نخواهی یافت.

(ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار و لن تجد لهم نصیرا)

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که از نظر اسلام نفاق بدترین انواع کفر، و منافقان دورترین مردم از خدا هستند و به همین دلیل جایگاه آنها بدترین و پست‌ترین نقطه دوزخ است، و باید هم چنین باشد، زیرا خطراتی که از ناحیه منافقان به جوامع انسانی می‌رسد با هیچ خطری قابل مقایسه نیست،

آنها با استفاده از مصونیتی که در پناه اظهار ایمان پیدا می کنند، ناجوانمردانه، و آزادانه به افراد بی دفاع حمله ور شده، از پشت به آنها خنجر می زنند، مسلماً حال چنین دشمنان ناجوانمرد و خطرناک که در قیافه دوست آشکار می شوند از حال دشمنانی که با صراحت اعلان عداوت کرده و وضع خود را مشخص ساخته اند بمراتب بدتر است، در حقیقت نفاق راه و رسم افراد بی شخصیت و پست، و مرموز و ترسو، و بتمام معنی آلوده است.

اما برای اینکه روشن شود حتی این افراد فوق العاده آلوده راه بازگشت بسوی خدا و اصلاح موقعیت خویشتن دارند، اضافه می کند: مگر آنها توبه کرده و اعمال خود را اصلاح نمایند (و گذشته را جبران کنند) و به دامن لطف پروردگار چنگ بزنند و دین و ایمان خود را برای خدا خالص گردانند.

(الذین تابوا و اصلحوا و اعتصموا بالله و اخلصوا دینهم لله).

چنین کسانی سرانجام اهل نجات خواهند شد و با مومنان قرین می گردند (فاولئک مع المؤمنین).

و خداوند پاداش عظیمی به همه افراد با ایمان خواهد داد.

(و سوف یؤت الله المؤمنین اجرا عظیما).

قابل توجه اینکه در ذیل آیه می فرماید: اینها همراه مومنان خواهند بود، اشاره به اینکه مقام مومنان ثابت قدم از آنها برتر و بالاتر است، آنها اصلند و اینها فرع، و از پرتو وجود مومنان راستین نور و صفائی می یابند.

موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت این است که سرنوشت منافقان را بطور مشخص بیان کرده و پائین ترین مرحله دوزخ شمرده است در حالی که درباره مومنان به اجر عظیم که هیچگونه حد و مرزی در آن نیست و وابسته به عظمت لطف پروردگار است اکتفا شده.